



گفتاری از عبدالحسین خسروپناه؛ چیستی علم و دین / راه‌حل‌های تعارض علم و دین

پاره‌ای از اندیشمندان، علم و دین را متعارض دانسته‌اند؛ اعم از اینکه تعارض بین گزاره‌های دینی یا گزاره‌های علمی باشد.

پاره‌ای از اندیشمندان، علم و دین را متعارض دانسته‌اند؛ اعم از اینکه تعارض بین گزاره‌های دینی یا گزاره‌های علمی باشد.

به گزارش خبرگزاری مهر، حجت الاسلام عبدالحسین خسروپناه رئیس موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، درباره چیستی علم و دین، ارتباط آن‌ها و تعارضات و سازگاری علم و دین مباحثی را در کانال تلگرامی خود بیان کرده است که متن آن در پی می‌آید.

چیستی علم و دین

تعریف برگزیده دین عبارت از نتیجه و برآیند اخروی کردارها و رفتارهای آدمی در دنیاست. حقانیت و بطلان هر دینی نیز به انتساب و عدم انتساب آداب و عقاید دنیایی به حق تعالی است؛ یعنی مجموعه حقایق و ارزش‌هایی که از طریق وحی (کتاب و سنت) جهت هدایت انسان‌ها به دست بشر برسد. این تعریف، تنها بر مصداق کامل و تحریف نشده دین، یعنی اسلام انطباق دارد. مجموعه آموزه‌های اسلامی به دو دسته توصیفی (اعتقادی و تاریخی و...) و ارزشی (فقه و اخلاق) تقسیم می‌شوند.

علم به معنای مطلق آگاهی (knowledge) و اعم از علم حضوری و حصولی و همچنین به معنای مجموعه گزاره‌های نظام‌مند، مانند: علم شیمی، فیزیک، روانشناسی، علم فقه و نیز به معنای علوم تجربی (science) به کار رفته است. مقصود نگارنده از علم، دانش تجربی طبیعی است که با روش تجربی - ریاضی و مبانی متافیزیکی بدست می‌آیند؛ همچون: فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی، نجوم، زمین‌شناسی و...

پرسش اصلی این است: آیا دین الهی و آسمانی اسلام به علوم طبیعی پرداخته است یا خیر؟ و آیا ضرورت دارد که دین الهی به این علوم بپردازد؟ آیا رابطه‌ای میان علوم طبیعی و اسلام، اعم از رابطه تباین یا تعارض یا تلائم وجود دارد؟ روش نگارنده در پاسخ به این پرسش‌ها، روش برون و درون دینی، یعنی: تجربه و عقل و قرآن و سنت است.

ارتباط علم و دین

دانشمندان درباره ارتباط علم و دین، پرسش‌های ذیل را مطرح ساختند. آیا در اصل، رابطه‌ای بین علم و دین برقرار است و آیا رابطه صحیح است یا غلط؟ ارتباط از نوع تعاون است یا تعارض؟ رابطه دوستانه دارند یا خصمانه؟ ارتباط بین آنها نظری و تئوریک است یا تأثیر و تأثر عملی دارند؟ ارتباط موجود، موجب رشد و بالندگی است یا رکود؟ آیا می‌توان حوزه دین را داخل در حوزه علم دانست یا بالعکس؟ آیا ترابط بین پیش‌فرض‌های علمی با دین برقرار است؟ آیا پیامدها و لوازم روان‌شناختی و منطقی علم و دین ترابطی دارند؟ آیا روحیه علمی با روحیه دینی، پیوند و یا تعاون یا تعارضی دارند؟ آیا گزاره‌های دینی با گزاره‌های علمی، تعارض یا تعاونی دارد؟ تعارض علم و دین، واقعی است یا ظاهری؟ فیلسوفان و متکلمان، روابط علم و دین را به چهار دسته تداخل، تباین، تلائم و تعارض بیان کرده‌اند.

تداخل علم و دین

مسیحیان قرون وسطایی و برخی از متفکران اسلامی، از آن رو که دین را از طرف خداوند دانسته‌اند؛ همه علوم را جزء دین معرفی نموده و علم را داخل در قلمرو دین شمرده‌اند. برخی از اندیشمندان اسلامی، بر این باورند که همه علوم بشری از ظواهر آیات قرآن به دست می‌آید؛ برای نمونه می‌توان به ابوحامد غزالی اشاره کرد.

تعارض علم و دین

پاره‌ای از اندیشمندان، علم و دین را متعارض دانسته‌اند؛ اعم از اینکه تعارض بین گزاره‌های دینی یا گزاره‌های علمی باشد؛ مانند: مسئله هفت آسمان در قرآن و یک آسمانی در علم؛ یا این که تعارض بین پیش‌فرض‌های علم با دین واقع شود. پیش‌فرض‌های علم، مانند: طبیعت مادی، واقعیت عینی و مستقل از ماست، طبیعت قابل فهم (Intelligible) است، طبیعت یکنواخت

(Uniform) است؛ و نظم‌های که در یک مقیاس محدود کشف می‌شود بر کل جهان حاکم‌اند؛ هر پدیده‌ای، یک علت مادی دارد. برخی از این پیشفرض‌ها با آموزه دینی که بر وجود علت‌های مادی و مجرد در تحقق طبیعت، دلالت دارند؛ متعارضند. گاهی نیز تعارض بین لوازم پیامدهای روانی یا واقعی علم و دین، مانند تأثیر منفی تکنولوژی و کارکرد منفی آن بر جامعه و مخالفت دین با آن، و روحیه علمی و روحیه دینی پدید می‌آید. اینگونه نمونه‌های تعارض، ممکن است ظاهری یا واقعی باشند.

جدایی علم و دین

برخی از متفکران مغرب زمین، علم و دین را دو مقوله متمایز و جداگانه و دارای قلمرو جداگانه دانسته‌اند. فیلسوفان تحلیل زبانی، اگزیستانسیالیست‌ها، نو ارتودکس‌ها و پوزیتیویست‌ها و کانت بر این دیدگاه رو آورده‌اند.

سازگاری علم و دین

این دیدگاه، علاوه بر ابطال نظریه تداخل علم و دین، تعارض و انواع تعارض علم و دین را رد کرده و بر سازگاری یا مکمل بودن این دو حقیقت تأکید می‌ورزد. جورج شلزنیگر (۱۹۴۶م)، فلسفه پویشی وایتهد، دونالد مک کی (۱۹۸۷ - ۱۹۲۲م) و چارلز کولون (۱۹۷۴ - ۱۹۱۰م) و کارل هایم (۱۹۵۹ - ۱۸۷۴م) مکمل بودن علم و دین را پذیرفتند.

منبع کلام نوین اسلامی ج ۳ ص ۲۲۷

راه‌حل‌های تعارض علم و دین

متفکران غربی و اسلامی برای حل تعارض علم و دین، به راه‌حل‌هایی تمسک کرده‌اند. برخی به تفکیک زبانی علم و دین رو آوردند. تفکیک زبانی بدین معناست که زبان دین، ابزارانگار و زبان علم، واقع‌گرا یا اینکه زبان دین، واقع‌گرا و زبان علم، ابزارانگار است. تمایز زبانی علم و دین می‌تواند تعارض‌های گزاره‌ایی را حل کند. تفکیک قلمرو علم و دین و انحصار هر یک از علم و دین به موضوع معین و دخالت نکردن در موضوع دیگری، می‌تواند تعارض علم و دین را حل کند. راه حل دیگر، تفسیر علمی آموزه‌های دینی است. اگر معنای ظاهری آیه یا روایتی با دستاورد علمی تعارض پیدا کرد؛ دست از معنای ظاهری برداشته و دیدگاه علمی را بر آن حمل کرده و تفسیر علمی از آیه یا روایت ارایه می‌کنیم. دسته‌ای نیز به بررسی یقین و ظن در معرفت دینی و معرفت علمی و با تقدم یقین بر ظن، به حل تعارض پرداختند. پس راه‌حل‌های تعارض علم و دین عبارتند از: تفکیک زبانی علم و دین، تفکیک قلمرو علم و دین، تفسیر علمی دین و بررسی یقین و ظن معرفتی است. برخی دیگر بر این باورند که اگر علوم تجربی، بر مبانی و جهان بینی الهی بدست آیند و علم دینی تولید گردد؛ تعارض علم و دین برچیده می‌شود. اینک به نمونه‌هایی از حل تعارض علم و دین که متفکران بیان کرده‌اند، که در ادامه تفکیک قلمرو علم و دین، تفکیک زبانی، تفسیر علمی، بررسی یقین و ظن معرفتی و دیدگاه برگزیده معرفی می‌شود.